



www.
www.
www.
www.
Ghaemiyeh.com
.org
.net
.ir

امام حسین (ع) و تریست فرزند



علی همت بناری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

امام حسین(ع) و تربیت فرزند

نویسنده:

علی همت بناری

ناشر چاپی:

علی همت بناری

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام حسین(ع) و تربیت فرزند
۶	مشخصات کتاب
۶	حادثه کربلا از منظر تربیت فرزندان
۶	اشاره
۶	توجه به نیازهای فرزندان
۶	اشاره
۷	نیازهای مادی
۷	نیازهای عاطفی و روانی
۷	رفتار حضرت با فرزندان و نوجوانان در میدان جنگ
۸	رفتار حضرت نسبت به فرزند بیمارش زین العابدین
۸	رفتار حضرت نسبت به خانواده و فرزندان در لحظه وداع
۹	سفرارش به فرزندان یتیم و بازماندگان
۹	پاسخگویی به پرسش‌های فرزندان
۱۰	نقش آزادی و انتخاب در تربیت فرزندان
۱۰	اشاره
۱۱	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام حسین(ع) و تربیت فرزند

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: بناری، علی همت

عنوان و شرح مسئولیت: امام حسین (ع) و تربیت فرزند [منبع الکترونیکی] / علی همت بناری
توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۱۸.۹KB)
موضوع: حسین بن علی(ع)، امام سوم، ۶۱-۴.

حادثه کربلا از منظر تربیت فرزندان

اشاره

حادثه کربلا جاودانه‌ترین رویدادی است که زمانه در بستر خود مانند آنرا ندیده است. حادثه‌ای که آثارش در حصار مرزهای اسلامی محدود نگشته و خورشید فروزانش همه گیتی را تا ابد درخشنان گردانید. همه کسانی که پیرامون این حادثه به تأمل نشسته‌اند، به فراخور شناخت خویش از آن درس گرفته، مبارزان درس مبارزه، آزادگان درس آزادگی، شهادت طلبان درس شهادت و مصلحان اجتماعی درس اصلاح گرفته‌اند. این واقعه بی‌نظیر زوایای بی‌انتهایی دارد که تنها اندکی از آنها شناخته شده و زوایای ناشناخته‌اش بسی بیش از شناخته شده است. بی‌گمان با گسترش دانش بشری در حوزه علوم انسانی، امید کشف آنها دور از انتظار نیست، از جمله زوایای این واقعه عظیم تأمل از منظر روانشناسی و تربیت است. نگارنده معتقد است هدف سیره و سنت ائمه اطهار علیهم السلام قبل از هر چیز، هدایت و تربیت است، زیرا آنان بزرگترین مریبان بشریت‌اند و باید تفسیر تربیتی از حوادث زندگی آنان ارائه شود. ذکر این نکته مفید است که، گوناگونی شرایط زمانی ائمه اطهار علیهم السلام باعث گشته تا آنان با وجود آرمان مشترک، در عرصه دعوت و تربیت شیوه‌های گوناگون داشته باشند. در میان امامان شیعه، امام حسین علیهم السلام شرایط ویژه خود را داشت. بنابراین ضمن آنکه همه زندگی و سیره حضرت سرمشقی کامل، از حیات طیبه، برای پیروانش است سیره تربیتی آن حضرت در حادثه کربلا هم برای کسانی که زندگیشان به شرایط زمانی آن حضرت شباهت بیشتری دارد و می‌خواهد حسینی باشند، اهمیت بیشتری دارد.

توجه به نیازهای فرزندان

اشاره

موجودات عالم برای ادامه حیات نیازهایی دارند که بدون بر آوردن آنها ادامه حیات نا ممکن و یا همراه با سختی است این احتیاج در غیر انسان به نیازهای مادی و جسمانی محدود است؛ اما در انسان نیاز امور مادی، روانی و معنوی فراوانی را شامل می‌شود که تنها در سایه رفع نیاز از همه امور به رشد کامل جسمانی و روانی می‌رسد. توجه به نیازهای گوناگون از نکات مهم تربیتی است، نیازهایی که در قالبهای زیستی، عاطفی، روانی و معنوی جلوه گر می‌شود. در واقعه کربلا نیز با وجود همه مسائل و شیوه‌ای که امام حسین علیهم السلام در پیش روی خود داشته، از توجه به نیازهای مادی و معنوی فرزندان و همراهان خود غافل نماند.

نیازهای مادی

نیازهای مادی احتیاج اولیه هر انسان است. و بدون تأمین آن، قادر به ادامه حیات نیست. نیاز به رفع تشنگی از این جمله است که در کربلا به خاطر وضعیت ویژه‌ای که دشمن برای کاروان کربلا به وجود آورد، به نیازهای حیاتی تبدیل شد و ایشان را به تلاش، برای رفع آن از راههای ممکن، واداشت؛ از اینرو، آنگاه که حضرت عباس علیه السلام از برادر اجازه مبارزه با دشمن طلبید، حضرت از او خواست برای کودکان آب فراهم نماید و فرمود: «فاطلب لهولاًه الاطفال قليلاً من الماء» پس کمی آب برای این کودکان فراهم کن... [۱]. این توجه حضرت آنگاه به اوج می‌رسد که فرزند شیرخواره‌اش را بر بالای دست می‌گیرد و از دشمن برایش آب می‌خواهد. در مقتل ابی مخفف آمده است: امام حسین علیه السلام به سوی ام کلثوم آمد و فرمود: خواهر! تو را در باره فرزند شیرخواره‌ام به نیکی سفارش می‌کنم، او شیر خواره است و شش ماه بیشتر عمر ندارد. ام کلثوم به برادر جواب داد: سه روز است این طفل آب نتوشیده است. برایش آبی طلب فرما، حضرت طفل را گرفت و در مقابل دشمنانز نهضت حسینی علیه السلام مبارزان درس مبارزه، آزادگان درس آزادگی، شهادت طلبان درس شهادت و مصلحان اجتماعی درس اصلاح گرفته‌اند. ایستاد و آنگاه فرمود: «ای قوم شما برادر و فرزندانم را به شهادت رساندید و جز این طفل باقی نمانده و او از تشنگی دهان را باز می‌کند و می‌بندد، به او جرعه آبی دهید...» [۲].

نیازهای عاطفی و روانی

گرچه در طبقه‌بندی نیازها در روانشناسی، نیازهای زیستی جزء نخستین نیازها به حساب می‌آید، اما نقش نیازهای عاطفی و روانی نیز با اهمیت و تعیین کننده است. زیرا هر چند نیاز جسمی محسوس و آشکار است و فقدانش جسم را متأثر می‌گرداند، اما نیازهای روحی و روانی نا محسوس‌اند و عدم پاسخگویی به آنها روان آدمی را آزرده می‌سازد. کودکان و نوجوانان به خاطر موقعیت سنی آسیب پذیری در برابر مشکلات نیاز دو چندان به برآوردن نیازهای عاطفی و روانی دارند، این نیازها، بخصوص در شرایط ویژه، از دست دادن والدین، هنگام بیماری و... چنان شدّت می‌یابد که بی‌توجهی به آنها حیات روانی و عاطفی کودک را به مخاطره می‌اندازد. این شرایط ویژه به کامل‌ترین شکل در کربلا برای فرزندان امام حسین علیه السلام جلوه نمود. فرزندان و همراهان آن حضرت در میدان مبارزه، در سخت‌ترین حالات، امام علیه السلام را صدا می‌زدند و در واپسین لحظات، اوج نیاز عاطفی خویش را به نمایش می‌گذارند. در کربلا بیماری چون علی بن الحسین علیه السلام حضور دارد که تقدیر الهی بر بقاء وجودش تعلق گرفت. و از دست دادن پدر و امام خویش را تجربه نمود. این وضعیت خاص قطعاً توجه ویژه‌ای را می‌طلبید و اینجا است که آن حضرت به گونه‌های مناسب به نیاز فرزندان پاسخ می‌دهد و نسبت به فرزندانی که به میدان مبارزه آمده‌اند به گونه‌ای، به یگانه فرزندش زین العابدین علیه السلام به گونه‌ای دیگر. و در مورد یتیمان و داغدیدگان پس از شهادت خویش به شکلی دیگر سفارش می‌فرماید.

رفتار حضرت با فرزندان و نوجوانان در میدان جنگ

آنچه از مقاتل بر می‌آید این است که حضرت نسبت به فرزندان و برادرزادگانش که به میدان مبارزه می‌رفتند، رفتارهای گوناگونی داشت. نخست در هنگام رفتن به میدان با درآغوش گرفتن آنان و اظهار علاقه و محبت صحنه‌های زیبایی از عاطفه و محبت را به نمایش می‌گذاشت. در مورد «قاسم بن الحسن» آمده است: «قاسم در حالی که نوجوانی غیر بالغ بود، سوی خیمه‌های طرف میدان خارج شد. وقتی امام حسین علیه السلام نگاهش به قاسم افتاد، او را به آغوش کشید. آن دو دست به گردن هم آویختند و چنان گریستند که بیهوش شدند». [۳]. در مرحله بعد، وقتی آنان در میدان مبارزه، در مقابل شرایط نابرابر، گرمای شدید و تشنگی قرار

گرفتند، آن حضرت آنان را به صبر دعوت کرد و به آنان دلداری داد و اظهار همدردی نمود در مورد «احمد بن حسن» نوشتۀ اند: «بعد از آنکه در میدان جنگ شرایط مبارزه توان را از او گرفت، نزد عمومیش حسین علیه‌السلام آمد و پرسید: عمو (جان) آیا جرعه آبی هست تا جگر خود را با آن خنک کنم و برای مبارزه با دشمنان خدا و رسولش توان بیشتری پیدا کنم؟ امام علیه‌السلام فرمود: «یابنی اصیر قلیلاً حتی تلقی جدّک رسول الله صلی الله علیه و آله، فیسقیک شریه من الماء لاتظماً بعدها ابدًا فرزندم! کمی صبر کن تا جدت رسول خدا را ملاقات کنی، او چنان شربت آبی به تو بنوشاند که هر گز تشنۀ نشوی. [۴] در مورد «علی اکبر» نیز آمده است؛ بعد از مبارزه‌ای بی‌امان و کشتن تعدادی از دشمنان در حالی که جراحات زیاد بر بدن داشت، عطش بر او بسیار ناگوار آمد. پس نزد پدر آمد و عرض کرد: «یا ابه العطش قد قتلنی و ثقل الحدید قد اجهدند فهل الى شربه من ماء و سبیل اتقوی بها على الاعداء؟» فبکی الحسین علیه‌السلام و قال یا بنی یغُزْ علی محمد و علی و علی ایک ان دعوه‌هم فلا یجیونک و تستغیث بهم فلا یغیونک...» [۵] ای پدر، عطش مرا از پای در آورد و سنگینی اسلحه مرا ناتوان کرد، آیا شربت آبی هست تا با نوشیدن آن، توان بیشتر، با دشمنان مبارزه کنم؟ امام فرمود: فرزندم بر محمد و علی و پدرت سخت است که آنان را بخوانی و به تو پاسخ ندهند و به یاری بخواهی و آنان فریاد رس تو نباشند....در مرحله سوم، آنگاه که بعد از مبارزه بی‌امان فرزندان توسط دشمن مجروح گشته و بر زمین افتادند، حضرت به سرعت خود را بر بالینشان رسانید و آنها را در آغوش گرفت. در آن لحظات حساس که فرزندان نیاز بیشتری به تسلی خاطر داشتند، با آنان ابراز همدردی نمود.... آنگاه که «قاسم بن الحسن» بر زمین افتاد و عمومی خود را صدا زد، امام حسین علیه‌السلام چون باز شکاری خود را بر بالین فرزند برادر رساند و مانند شیر خشمگین بر دشمن حمله نمود. وقتی گردو غبار فرو نشست، دیدند امام علیه‌السلام بر بالین قاسم نشسه و به قاسم علیه‌السلام که در حال جان دادن بود، فرمود: عَزَّ وَاللهُ عَلَى عَمَّكَ اَن تدعوه فلا يجييك او يجييك فلا يعنك او يعنك فلا يغنى عنك بعداً لقوم قتلوك [۶] به خدا سوگند، بر عمومی تو سخت است که او را بخوانی پاسخ ندهد، یا اجابت نماید ولی نتواند کمک کند یا کمک کند اما به تو سودی نبخشد. (از رحمت) خداوند دور باد قومی که تو را کشت.

رفتار حضرت نسبت به فرزند بیمارش زین العابدین

خواست الهی بر این تعلق گرفت که علی بن الحسین حجت او بعد از امام حسین علیه‌السلام، بیمار باشد تا جهاد بر او واجب نشود و همچنان زمین از حجت‌اللهی خالی نگردد و این وضعیت جلوه دیگری از تربیت حسینی را می‌طلبید. در حالی که شدّت مبارزه و مصیتها پیاپی کربلا- انسان معمولی را چنان به خود مشغول می‌کند که همه چیز را فراموش می‌کند، مربی بزرگ کربلا- از مسئولیت بزرگ تربیت غافل نماند و چون فرزند خود را نیازمند توجه و مراقبت دید، بر بالینش آمد و گفتگویی صمیمانه به پرسش‌های او در در مورد حوادث کربلا پاسخ داد. در منابع تاریخی می‌خوانیم: «...حضرت به سوی خیمه فرزندش زین العابدین آمد و در حالی که فرزندش بر فرشی از پوستین استراحت می‌نمود و زینب علیه‌السلام از او پرستاری می‌کرد، فرزندش را عیادت نمود، وقتی زین العابدین علیه‌السلام نگاهش به پدر افتاد، خواست از بستر بر خیزد. اما از شدّت بیماری قادر به برخاستن نبود. از عمه‌اش زینب علیه‌السلام خواست که او را کمک کند، زینب خود را تکیه گاه او قرار داد. امام حسین علیه‌السلام از وضعیت بیماری فرزندش سوال کرد و زین العابدین علیه‌السلام حمد و سپاس خداوند را به جا آورد و از پدر پرسید در این روز با این قوم منافق چگونه رفتاری کردی؟ پدر فرمود: «فرزندم شیطان بر آنان مستولی گشت و آنان را از یاد خدا غافل کرد...» [۷].

رفتار حضرت نسبت به خانواده و فرزندان در لحظه وداع

امام علیه‌السلام در واپسین لحظه‌های زندگی خویش شرایط ناگواری خانواده و فرزندان غصه یتیمی و از دست دادن نزدیکترین

عزیزان از یک طرف، طی مسیر کربلا تا شام و از شام به مدینه، همراهی دشمنان سنگدل، از طرف دیگر را مجسم کرد. در چنین شرایطی امام علیه‌السلام شیوه دعوت به صبر و برد باری و توجه دادن به نصرت الهی را برگزید تا با دم حسینی خود روح خسته آنان را توان دوباره بیخشد و عزمشان برای دست یابی به همه اهداف، تقویت نمایند. در مقابل آمده است: «هنگامی که امام علیه‌السلام همه یارانش را دید که شهید شده‌اند، برای وداع به خیمه‌ها آمد و ندا داد: «ای سکینه، ای فاطمه، ای زینب، ای ام‌کلثوم، درود و سلام من بر شما باد» سکینه صدا زد: ای پدر آیا تن به مرگ داده‌ای؟ فرمود: کسی که یاور ندارد، چگونه تن به مرگ ندهد. [۸]. طبق نقل دیگر فرمود: «ای نور چشم من کسی که یاوری ندارد، چگونه تسليم مرگ نشود، (فرزنندم) رحمت و نصرت خداوند در دنیا و آخرت به همراه شما است، پس بر قضاء الهی، صبر پیشه کن و زبان به شکوه مگشای، زیرا دنیا از بین رفتنی و آخرت ماندگار است.» [۹]. طبق نقل سوم آن حضرت به فرزندان و خواهران چنین توصیه نمود: «خدوتان را برای گرفتاری آماده کنید و بدانید خداوند نگهدار و یاور شما است و شما را از شر دشمنان نجات می‌بخشد و عاقبت امرتان را به خیر خواهد کرد، دشمناتتان را با انواع بلاحا عذاب خواهد نمود و به شما، در برابر این گرفتاری، انواع نعمت و کرامت عطاء خواهد کرد. پس زبان به شکوه مگشایید و سخنی مگویید که از منزلت و ارزش شما بکاهد.» [۱۰]. فرزندان و همراهان آن حضرت در میدان مبارزه، در سخت ترین حالات، امام علیه‌السلام را صدا می‌زندند و در واپسین لحظات، اوچ نیاز عاطفی خویش را به نمایش می‌گذارند. کودکان در مقطعی از سن، چنان والدین را «سؤال باران» می‌کنند و آنها را به ستوه می‌آورند و هرچه رشد عقلانی بیشتری می‌یابند، سوالات جدی تری خواهند داشت.

سفرش به فرزندان یتیم و بازماندگان

بی شک از تلخترین لحظات برای فرزندان خرد سال، لحظه‌ی از دست دادن والدین است. چنین وضعیتی بر فرزندان بسیار ناگوار و طاقت فرسا می‌نماید. در چنین شریطی آنان نیازمند توجه و عاطفه‌اند، نیازمند محبت و تسلی خاطراند. فرزندان و بازماندگان کاروان کربلا- هم نظاره گر دل خراشترين صحنها بوده‌اند. لذا به توجهی عمیق نیاز داشتند. از این رو امام حسین علیه‌السلام با همه گرفتاریهایی که داشت، وضعیت روحی و روانی فرزندان را پس از شهادت خود پیش بینی کرد و در واپسین لحظات، تنها فرزند بازمانده از خود زین العابدین علیه‌السلام را به توجه و مراقبت و درک وضعیت روحی آنها سفارش کرد و آنچنان شرایط روانی و روحی آنها را ترسیم کرد و مشاوره‌های لازم تربیتی را به ایشان ارائه نمود که شخصی آشنا به مسائل روانشناسی و تربیتی را به شگفتی و می‌دارد. امام علیه‌السلام فرمود: «... یا ولدی انت اطیب ذریتی و افضل عترتی و انت خلیفتی علی هؤلاء العیال و الاطفال فانهم غرباء مخنوتون قد شملتهم الذلة و الیتم و شماتة الاعداء و نوابی الزمان، سکتھم اذا صرخوا و آنسھم اذا استوحشوا و سلّ خواطرهم بلین السلام فانهم مابقی من رجالهم من یستأنسون به غیرک و لا احد عندهم یشكون اليه حزنهم سواک دعهم یشمک و تشمھم، و یکوا علیک و تبکی علیهم.» [۱۱]. فرزندم تو پاکیزه ترین ذریه و با فضیلت‌ترین خاندان من هستی، بعد از من تو سر پرست کودکان و اهل بیت هستی، آنان غریب هستند. خواری و یتیمی و شماتت دشمنان و مصیبتهای زمان آنها را در بر گرفته است. هرگاه ناله و گریه شان بلند شد، آرامشان گردان، در هنگام ترس همراهشان باش، با سخنان نرم تسلی خاطرشان بده. از مردان آنها، جز تو کسی که مایه انس و آرامشان باشد، زنده نمانده است و جز تو کسی را که شنواز شکوهها و درد دلهایشان باشد، ندارند....» [۱۲].

پاسخگویی به پرسش‌های فرزندان

فرزنдан وقتی دوران نوزادی و کودکی را پشت سر می‌گذارند، بر اثر ارتباط بیشتر با اشیاء پیرامون و برخورد با موقعیتهای جدید،

سئوالاتی در ذهنشان به وجود می‌آید در مقطوعی از سن، چنان والدین را «سؤال باران» می‌کنند که آنها را به ستوه می‌آورند. کودکان هرچه رشد عقلانی بیشتری می‌یابند، سئوالات جدی‌تری خواهند داشت، بویژه در دوره نوجوانی و آغاز جوانی، شرایط جدید، تغییر و تحولات، تصمیمات بزرگ در زندگی والدین سئوالات بیشتری را در ذهن آنان ایجاد می‌کند، در چنین وضعیتی بر والدین بصیر و آگاه است که زمینه پرسشگری را برای فرزندانشان فراهم کنند و پای صحبت‌های آنان بنشینند و با صبر و حوصله به پرسش‌های آنان پاسخ مناسب دهند و ابهامات را مرتفع سازند. حادثه کربلا، که موقعیت جدیدی در زندگی امام حسین علیه السلام محسوب می‌شد، پرسش‌هایی را در ذهن فرزندان و دیگر همراهان حضرت ایجاد کرد و ذهن کنگماه آنان را به پرسشگری وا داشت. حسین بن علی علیه السلام با درک موقعیت آنها، به سوالاتشان پاسخهای مناسب و در خور شائشان می‌داد. به دو نمونه از پاسخگویی حضرت اشاره می‌کنیم: ۱- هنگامی که حضرت به همراه اصحابش، هنگام ظهر در ثعلبیه فرود آمد، خواب کوتاهی بر آن حضرت مستولی شد. پس از اندکی حضرت با چشم گریان از خواب بیدار شد. فرزندش «علی» که متوجه این صحنه بود، پرسید: ای پدر! چرا گریه می‌کنی؟ خداوند چشم تو را نگریاند. حضرت فرمود: «فرزنندم این لحظه، وقتی است که رؤیا در آن دروغ نمی‌باشد. من در خواب سواره‌ای را دیدم که کنارم ایستاد و گفت: «ای حسین شما به سرعت حرکت می‌کنید و مرگ به سرعت شما را به بهشت می‌رساند و آگاهی یافتم که مرگ ما فرا رسیده است». علی پرسید: ای پدر! آیا ما بر حق نیستیم؟ فرمود: «فرزنندم به خداوندی که همه بندگان به سوی او بر می‌گردند، ما بر حق هستیم» علی عرض کرد: در این صورت ترسی از مرگ نداریم. امام فرمود: خداوند بهترین پاداش پدر به فرزند را به تو عطا فرماید. [۱۳] ۲- بعد از آنکه حضرت، در شب عاشوراء، حوادث روز عاشورا و شهادت یاران را ترسیم کرد، قاسم بن حسن علیه السلام در باره شهادت خود پرسید. امام علیه السلام به او مهربانی کرد و پرسید: فرزندم مرگ نزد تو چگونه است؟ پاسخ داد: عمو (جان) مرگ نزد من از عسل شیرین تر است. حضرت بعد از آنکه ظرفیت و توان درک قاسم را نمایان ساخت و پاسخ زیبای او را شنید، فرمود: عمومیت به فدایت گردد! به خدا قسم! تو از کسانی هستی که بعد از آزمایش بزرگ به همراه من شهید می‌شوند.

نقش آزادی و انتخاب در تربیت فرزندان

اشارة

خداوند انسان را آزاد آفرید و قدرت اراده و انتخاب به او بخشید تا پرتو آن از میان راههای مختلف مسیر صحیح را برگزیند. آنچه انسان در پرتو شناخت و بدون اکراه و اجبار برگزید، در راه تحقق و دستیابی به آن تا پای جان می‌ایستد، عنصر آزادی به جا و انتخاب درست در تربیت، عنصری گرانها و کار آمد است، در تربیت فرزندان اجبار ثمری نمی‌بخشد، والدین و مربیان باید چنان زمینه را آماده کنند که فرزندان خود راه صحیح را برگزینند تا برآنچه به حق برگزیده‌اند، پاییند و استوار باشند، از جلوه‌های تربیتی حادثه عاشوراء، صحنه آزادی و انتخاب راه بود. امام حسین علیه السلام با اینکه در کربلا به شدت نیازمند داشتن یاور بودند، با کمال صداقت و راستی فرزندان و دیگر یاوران خود را در ادامه مسیر آزاد می‌گذارد و با اینکه بر فرزندان خود حق بزرگ دارد اما هیچگاه راه مبارزه و همراهی خود را بر آنان تحمیل نمی‌کند و از اینروست که می‌بینیم آنان نیز که آگاهانه همراهی پدر و امام خویش را برگزیدند در راهش تا آخرین نفس ایستاده و جان خویش را فدای راهش نموده‌اند. ابی حمزه ثمالي از علی بن الحسين علیه السلام نقل می‌کند که در شب عاشوراء پدرم اهل و فرزندان خود و اصحاب را جمع نمودند و خطاب به آنان فرمود: «ای اهل و فرزندان و ای شیعیان من، از فرصت شب استفاده کنید و جانهای خود را نجات دهید... شما در بیعتی که با من بسته‌اید آزاد هستید....» نیز آن حضرت هنگامی که عبدالله فرزند مسلم نزد ایشان آمد و اجازه میدان طلبید فرمود: «شما در بیعت با من آزاد

هستی، شهادت پدرت کافی است. تو دست مادرت را بگیر و از این معركه خارج شو» عبد الله عرض کرد: «بخدا سوگند من از کسانی نیستم که دنیا را بر آخرت مقدم دارم.» [۱۴].

پاورقی

- [۱] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۱؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳-۴۷۲، به نقل از الدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۲۲ و العوالم، ج ۲، ص ۲۸۴.
- [۲] مقتل ابی مخنف، ص ۱۳۰، (منشورات الرضی)؛ موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۹-۴۷۸.
- [۳] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۴؛ ترجمه نفس المهموم، ص ۱۴۷؛ موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۶۴، به نقل از العوالم، ح ۱۷، ص ۲۷۸ و الدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۱۷.
- [۴] مقتل ابی مخنف، ص ۱۲۶؛ موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۶۹، به نقل از ینابیع المودة، ص ۴۱۵، الدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۱۸؛ معالی السبطین، ج ۱، ص ۴۵۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۳۱.
- [۵] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۳؛ ترجمه نفس المهموم، ص ۱۴۱؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۹۱؛ مقتل المقرم، ص ۳۲۵؛ موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۶۱؛ به نقل از مقتل الحسین خوارزمی، ج ۲، ص ۳۰، العوالم، ج ۱۷، ص ۲۸۵، «با اندکی اختلاف».
- [۶] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۵؛ ترجمه نفس المهموم، ص ۱۴۸؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۹۹، موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۶۵؛ به نقل از مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۲۷، العوالم، ج ۱۷، ص ۲۷۸؛ والدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۱۷.
- [۷] موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۸۵؛ به نقل از الدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۵۱؛ معالی السبطین، ج ۲، ص ۲۲؛ و ذریعه النجاه، ص ۱۳۹.
- [۸] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۷؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۴۸؛ موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۹۰؛ به نقل از منتخب التواریخ، ص ۴۴۰؛ والدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۳۶.
- [۹] موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۹۰؛ به نقل از اسرار الشهادة، ص ۴۲۳؛ و ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۶۰ با کمی اختلاف.]
- [۱۰] منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۵۵؛ موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۹۱؛ به نقل از الدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۴۶ و ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲۸۰.
- [۱۱] موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۸۶؛ به نقل از الدمعة الساکبة، ج ۴، ص ۳۵۱؛ معالی السبطین، ج ۲، ص ۲۲؛ و ذریعه النجاه، ص ۱۳۹.
- [۱۲] موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۵-۳۴۴؛ به نقل از مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۲۶؛ الفتوح، ج ۵، ص ۷۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۷؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۵؛ و نیز با کمی تفاوت در موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۳۶۸، به نقل از تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۹؛ الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۴؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۹، العوالم، ج ۱۷، ص ۲۲۹، نقل شده است.
- [۱۳] موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۲۰۱-۲۰۲؛ به نقل از مدینه المعاجز، ج ۴، ص ۲۱۴؛ نفس المهموم، ص ۲۳۰؛ و ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲۲۰.
- [۱۴] موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۴۰۱؛ به نقل از نفس المهموم، ص ۲۳۰؛ مدینه المعاجز، ج ۴، ص ۲۱۴؛ و ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۲۲۰.

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آيه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام)؛ خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البخار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهنند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (كتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شباهت منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشد.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزو و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سه همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، ایمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴ ۰۵۵۳)

ز) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/ خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۲۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۰۳۱۱-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱ فکس ۰۲۱-۸۸۳۱۸۷۷۲۲ دفتر تهران ۰۲۱-۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱) ۰۴۵-۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از این‌رو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافروندی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۵۳-۰۹۵۳-۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۳۰۴۵-۵۳۳۱-۶۲۷۳-۰۵۳۳۱ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بیدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساكت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مستند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



www

برای داشتن کتابخانه های شخصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و بروای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۴۰۰۰ ۱۰۹

